

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

المان - شهرک زیزن

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۳

قابل توجه دوستداران شعر حافظ

حاجت به تکرار نیست که حافظ از محبوبترین شعرای دنیای شرق است که هم در غرب او را میشناسند. کلام او ملکوتی ست و اندیشه اش بسط و وسعتی دارد که لسان الغیب گفته شده و طرف قبول خاص و عام است. اشعارش مملو از عشق، عاطفه و احساس ظریف انسانی است. در وصف حافظ قلم بنده قاصر است و میپردازم به اصل مطلب:

فیس بُک که شبکه ای از ارتباط دهندگان و انترنیتی ست، به مرکز تبادلات اندیشه ها، نظریات و اشعار دوستان مبدل گشته که هریک در آن بعض با نوشته های نظم و نثر خود، بعض با نقل قول از دیگران و غیره مآخذ سهم میگیرند. از جمله دوستانی که در فیس بُک با من شریک است و همیشه آثارش را میخوانم، یکی انجنیر صالح محمد رهین، دوست عزیز و پسر کاکای بنده میباشد که با حوصله مندی تمام همواره نقلهای قول از بزرگان، اشعار حافظ، سعدی و مولانای بزرگ را در صفحه فیس بُک با ذوق و سلیقه خاص درج و اشاعه میدهد و طرف تمجید و تحسین خوانندگان قرار میگیرد. اخیراً انجنیر رهین به تاریخ 25 اکتوبر سه بیت از یک غزل حافظ را که دارای ردیف «زدند» میباشد با حسن خط زیبا و قلم مشقی زیب صفحه فیس بُک ساختند. این غزل دارای هفت بیت است و با مطلع «دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند» آغاز میشود. اما بیت سوم را که موضوع تحریر این جانب میباشد، آقای رهین چنین نوشته اند:

«آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند»

درین بیت «قرعه کار» به نظرم عجیب و نامأنوس آمد. درینجا بطور معترضه متذکر میشوم که اینجانب بناء به توجه والد محترم در سن زیر ده سالگی خواننده شده بودم و دیوانهای حافظ و سعدی و پنج کتاب و غیره را روان میخواندم و رچون تعداد باسوادان در آن زمان اندک بود، به خانه و منزل اقارب که میرفتم، کتاب حافظ که در طاقچه بالا جای داشت، فرود آورده میشد و فال بینی و تفال شروع میکردید. هرکدام با نوبت کتاب را میبوسیدند و با چشمان پت نیت میکردند و حافظ را به شاخ نبات قسم میدادند و با انگشت سبابه صفحه ای را میکشودند و بدست من میدادند. من از شروع غزل فال شان را به آواز بلند میخواندم و چون شعر حافظ دامنه و وسعت گسترده دارد، و از جهات مختلف زندگانی واقعی و عاطفی صحبت میکند، حتماً نکته ای از آرزوهای فال بیننده در غزل می آمد. آن گاه قناعت شان حاصل شده و به ارواح حافظ اتحاف دعاء میکردند. و هرگاه چیزی از آرزوهای خود در غزل حافظ نشنیده بودند، هفت ورق مابعد را میگشتانند و به بیت هفتم غزل آن صفحه انگشت میماندند و من آن بیت آخرین را میخواندم و قناعت شان حاصل میگشت.

مطلب از تذکار این حاشیه پردازی اینست که من از آن زمان که طفل بودم و غزلهای حافظ را خوانده ام، همیشه بیتی را که درربالا ذکر شد چنین بوده است «آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند». وقتی در بیت تحریری انجنیر رهین عوض «قرعه فال» «قرعه کار» را دیدم، بسیار متعجب شدم و هیچگاه قبول کرده نتوانستم که چنین باشد. خواستم علی العجالة با آقای رهین تماس بگیرم و او را متوجه اشتباهش بگردانم. به فکر آمد که اولتر به دیوان حافظ که در دسترس دارم مراجعه کنم. این دیوان جدیدترین نسخه اشعار حافظ است که در سال 1379 مطابق با نسخه علامه قزوینی و دکتور قاسم غنی در تهران انتشار یافته است. درین نسخه نیز عین چیزی را که انجنیر رهین تحریر کرده بود، یافتیم؛ یعنی «قرعه کار بنام من دیوانه زدند». آنقدر متعجب شدم که گنس و مبهوت گردیدم و باورم نمیشد که درین نسخه معتبر نیز چنین تحریر شده باشد. بناءً به اصطلاح تنگم سست شد و به تعجب و حیرت فرو رفتم که تاکنون نتوانستم مغز و فکر خود را ازین ابهام برون بیاورم و موضوع را به تفصیلی که ذکر شد در پورتال ادب دوست و شعرپرور «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» در میان گذاشتم و از دوستان و آشنایان شعر حافظ خواهش میکنم، تا آنانی که درین باره نظر خاص دارند نظر خود را بنویسند و آنانی که نظر خاص ندارند، یک مرتبه به نسخه ای از دیوان حافظ که بدسترس دارند، مراجعه کنند و آنچه میخوانند و میبینند بنویسند، تا دیده شود که اکثریت به کدام جانب است؛ «قرعه فال» یا «قرعه کار»؟؟؟ با عرض معذرت انتظار اظهار نظر دوستان را دارم.

با احترام